

پاسخنامه ابن عقیل از مفعول مطلق تا افعال تفضیل

سؤالات چهار گزینه‌ای (۲ نمره)

ب - ۱ ج - ۲ الف - ۳ ج - ۴

سؤالات تشریحی (۱۸ نمره)

۱- حال «منتقله» و «لازمه» را تعریف کرده، بیان کنید هریک از مثال‌های زیر کدام یک از این دو به شمار می‌آید.
 (ا) «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ»:
 (ب) جاء زيدٌ راكباً:

- حال لازمه: حالی است که برای ذوالحال دوام و ثبوت دارد (۵/). حال منتقله حالی است که برای ذوالحال دوام و ثبوت ندارد (۵/).
 الف) قیام به قسط برای خداوند وصفی ثابت است، بنابراین، «قائماً» حال لازمه است.
 ب) وصف رکوب برای زيد دوام و ثبوت ندارد؛ بنابراین، «راكباً» حال منتقله است.

۲- اعراب کلمات مشخص شده و نقش آنها را در جملات زیر بنویسید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ‌گویند)
 نمونه: ما جاتني إلا موسى ← «موسی» مرفوع، فاعل.

(أ) قام القومُ غيرَ زيدٍ : (ب) ما ذهبَ أحدٌ إلا عليّ : (ج) شاهدتُ الرجالَ إلا مريمَ :
 (د) قرأتُ البهجةَ المرضيةَ ما عدا بابَ الاستثناءِ : (هـ) ما شربْتُ غيرَ ماءٍ : (و) ما سلّمتُ على الرجالِ سوىَ زيدٍ :

(أ) مرفوع ، مستثنى (ب) مرفوع ، مستثنى (ج) منصوب، مستثنى
 (د) منصوب، مفعول (هـ) منصوب، مفعول (و) منصوب، ظرفیت (سببویه) / مفعولیت (ابن مالک)
 (۴ مورد - هرکدام ۵/ نمره)

۳- مطابق نمونه، معانی حروف جر مشخص شده در عبارات زیر را از میان اصطلاحات داده شده بیابید.

۱- تعدیه / ۲- بدلیت / ۳- زانده / ۴- تعلیل / ۵- سببیت / ۶- تعویض / ۷- بیان جنس / ۸- انتهای غایت / ۹- تعدیه / ۱۰- تبعیض / ۱۱- ظرفیت

نمونه: «ذَهَبَ اللَّهُ بِتُورِهِمْ»: تعدیه
 الف) «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ»: (ب) «فَيُظْلَمُ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ»: (ج) «وَأَذْكُرُهُ كَمَا هَدَاكُمْ»:
 د) «فَأَجْتَبَيْنَا الرَّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ»: (هـ) «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ»: (و) «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»:
 ز) «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ»: (ح) «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا»:

(أ) بدلیت (ب) سببیت (ج) تعلیل
 (د) بیان جنس (هـ) زانده (و) انتهای غایت
 (ز) تعویض (ح) تعدیه
 (۸ مورد - هرکدام ۲۵/ نمره)

۴- قال ابن مالک:

وَجُرَّ مَا يَتَّبَعُ مَا جُرَّ وَمَنْ رَاعَى فِي الْإِتِّبَاعِ الْمَحَلَّ فَحَسَّنَ

چگونگی تطبیق مسأله مطرح شده در بیت بالا را در مثال «عَجِبْتُ مِنْ شُرْبِ مُوسَى وَزَيْدٍ» توضیح دهید.

در این مثال جانشین است که «زید» را جر بدهیم، بنابر تبعیت از لفظ «موسی» که مجرور است، و همچنین جانشین است «زید» را رفع بدهیم، به لحاظ تبعیت از محل معطوف علیه، چرا که «موسی» فاعل در معنا برای «شرب» است.

۵- در عبارات زیر، رابط جمله حالیه را تعیین کنید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ‌گویند)

(أ) «لَمْ تُوذُونِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ»: (ب) جاء زيدٌ وقد طلعتِ الشمسُ : (ج) «اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ»:
 (د) «لَئِنْ أَكَلَتِ الدُّنْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ»: (هـ) «وَجَاؤُوا آبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ»: (و) «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»:

(أ) «واو» و ضمير (ب) «واو» فقط (ج) ضمير فقط (د) «واو» فقط
 (هـ) ضمير فقط (و) «واو» و ضمير (۴ مورد - هرکدام ۵/ نمره)

۶- هر يك از افعال زیر کدام شرط از شروط ساخت صیغه تعجب را ندارند؟

(أ) فَنَى :

(ب) عَسَى :

(ج) أَحَمَقَ :

(د) ضَرَبَ :

(أ) قابل مفاضله نیست.

(ب) متصرف نیست.

(ج) دال بر عیب است.

(د) فعل معلوم نیست.

۷- قال ابن مالك:

كَفَعْلِهِ اسْمٌ فَاعِلٌ فِي الْعَمَلِ إِنَّ كَانَ عَنْ مُضِيِّ بِمَعَزَلِ
وَوَلِيٍّ اسْتِفْهَامًا أَوْ حَرْفَ نِدَا أَوْ نَقْبًا أَوْ جَا صِفَةً أَوْ مُسْتَدَا
وَإِنْ يَكُنْ صِلَةً أَلْفِي الْمُضِيِّ وَغَيْرِهِ أَعْمَالُهُ قَدْ اِزْتَضِي

(أ) با توجه به ابیات بالا شرایط عمل اسم فاعل را بنویسید.

(ب) توضیح دهید اسم فاعل های به کار رفته در عبارات زیر شرط عمل نصب در مفعول به را دارند یاخیر؟

ب. (۱) هذا ضاربٌ زيدٌ أمسٍ : ب. (۲) زيدٌ هو الضاربُ أیه أمسٍ :

(أ) دلالت بر زمان حال و یا آینده داشته باشد. و تکیه بر استفهام ، نداء ، نفی ، موصوف و یا مبتدا داشته باشد.

ب. (۱) این مثال شرط زمانی عمل اسم فاعل را ندارد.

ب. (۲) در این مثال اگرچه زمان اسم فاعل گذشته است، ولی چون صله «الف و لام» واقع شده است، عمل می کند.

۸- نوع مفعول های به کار رفته در مثال های زیر را مشخص کنید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گوید)

(أ) «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا» :

(ب) ضربته سوطاً :

(ج) هذا قنec زهداً :

(د) أعجبنى سيرك والطريق :

(أ) مفعول به

(ب) مفعول مطلق

(ج) مفعول له

(د) مفعول معه

۹- «المُضَافُ يَخْتَصُّ بِالْمُضَافِ إِلَيْهِ أَوْ يَتَعَرَّفُ بِهِ، فَلَا بُدَّ مِنْ كَوْنِهِ غَيْرَهُ إِذْ لَا يَتَخَصَّصُ الشَّيْءُ أَوْ يَتَعَرَّفُ بِنَفْسِهِ. وَلَا يُضَافُ اسْمٌ لِمَا بِهِ اتَّحَدَ فِي الْمَعْنَى كَالْمُتَرَادِفِينَ وَكَالْمَوْصُوفِ وَصِفَتِهِ، وَمَا وَرَدَ مُوَهِّمًا لِذَلِكَ مُؤَوَّلٌ.»

(أ) با توجه به متن یادشده توضیح دهید چرا اضافه در مانند «قَمَحٌ بُرٌّ» و «رَجُلٌ قَانِمٌ» اشتباه است؟

(ب) راه توجیه نمونه هایی مانند «سَعِيدٌ كُرْزٍ» و «صَلَاةُ الْأُولَى» که در متون فصیح به کار رفته، چیست؟

الف) مثال «قَمَحٌ بُرٌّ» اضافه ی دو اسم مترادف به یکدیگر است و از موارد «إضافة الشيء إلى نفسه» محسوب می شود (۵/.) مثال «رَجُلٌ قَانِمٌ» نیز از موارد اضافه موصوف به صفت است که این نیز نوعی «إضافة الشيء إلى نفسه» است (۵/.)؛ از این رو، اضافه در هر دو مثال یادشده ممتنع است.

ب) مواردی مانند «سَعِيدٌ كُرْزٍ» را اینگونه توجیه می کنیم که مراد از «سَعِيدٌ»، «المَسْمِيُّ بِسَعِيدٍ» است که در اینصورت با «كُرْزٍ» مغایرت معنایی پیدا می کند (۵/.) مواردی مانند «صَلَاةُ الْأُولَى» که در ظاهر اضافه موصوف به صفت است نیز اینگونه توجیه می شود که در واقع «الأولى» صفت است برای «السَّاعَةُ» محذوف (صَلَاةُ السَّاعَةِ الأولى) است (۵/.)